

مقاله پژوهشی

نقش قوامیت در کاهش تعارضات زناشویی بر اساس آیه ۳۴ سوره مبارکه نساء

مرضیه زرگری^۱

هادی بهرامی احسان*^۲

تاریخ پذیرش: [۱۴۰۱/۱/۱۸]

تاریخ دریافت: [۱۴۰۰/۹/۲۲]

چکیده

خانواده یکی از ارکان اصلی جامعه با ساختار ویژه در تعریف نقش‌ها و وظایف فردی و اجتماعی است؛ تبیین نقش‌های زن و مرد در این ساختار با هدف پیش‌گیری از آسیب‌های موجود در خانواده اهمیت فراوانی دارد. نظر به اینکه قوامیت جایگاهی است که خداوند در آیه ۳۴ سوره نساء برای مردان تعیین کرده است و این جایگاه، از جنبه‌های مختلف قابل‌بررسی است؛ هدف از پژوهش حاضر بررسی دیدگاه قرآن در مورد قوامیت و چگونگی برخورد آن با تعارض زناشویی است. روش پژوهش، روش تدبیر در قرآن و به‌طور اختصاصی تدبیر کلمه ای است که با طرح سؤال از آیه ۳۴ سوره نساء و با بررسی گزاره‌ها و تدبیر در کلمات انجام شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که قوامیت مسئولیتی است که در اجتماع و به تبع آن در خانواده مردان را موظف به انجام وظایفی می‌کند؛ یکی از این وظایف مدیریت تعارضات در خانواده است که لازم است در راستای قوامیت باشد، انواع راه‌کارهای حل تعارض از جمله وعظ، هجر و ضرب و نیز شیوه مناسب اعمال و تلفیق این راه‌کارها می‌تواند در تبیین نقش‌های زن و مرد، مدیریت تعارضات و در نهایت کاهش تعارضات زناشویی مؤثر باشد. در نتیجه قوامیت با اعمال راه‌کارهای مناسب، تعارضات زناشویی را در جهت کاهش آن‌ها و اصلاح روابط مدیریت می‌کند.

واژگان کلیدی: قوامیت، تعارضات زناشویی.

۱. دانشجوی دکتری مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز، تهران، ایران. marziezargari@yahoo.com

۲. استاد گروه روان‌شناسی دانشگاه تهران، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) hbahrami@ut.ac.ir

۱- مقدمه

خانواده یکی از نهادهای اجتماعی سنتی و دیرپاست که نقش تعیین کننده‌ای در هویت بخشی، عزت نفس، انسجام شخصیت و سازگاری اجتماعی اعضای خود دارد (آذربایجانی، پسندیده و جان بزرگی، ۱۳۹۶). بی تردید زن و شوهر رکن پایداری و نیرومندی خانواده هستند (سالاری فر، ۱۳۹۸) که وجود تعاملات صحیح و سازنده بین آن‌ها از جمله تعاملات رفتاری که در قالب وظایف و نقش‌ها صورت می گیرد، از عوامل سلامت، پایداری و تحکیم خانواده است (ترکاشوند و جعفرزاده، ۱۳۹۲). بقاء و تداوم و شیرینی یک زندگی مشترک، همیشه در گرو توانایی‌ها و مهارت‌های خاصی است که در حقیقت تضمین کننده قابل اطمینان برای خوشبختی زوجین به حساب می آید (جهانیان، ۱۳۹۲).

دین اسلام با مشخص کردن حقوق و مسئولیت‌های اعضای خانواده، نقش آن‌ها را در خانواده تبیین کرده است (نژاد موسوی، ۱۳۹۵). با توجه به قرآن کریم، مردان قوام بر زنان هستند.^۱ قوام بودن شوهر بر زن از طرافت مفهومی خاصی برخوردار است و در مجموع این معنا به مسئولیت حمایت، مراقبت، محافظت و رعایت مصالح زن بازمی گردد و نه اشراف و مزیت؛ از این رو با برتری جویی و سلطه طلبی و مردسالاری ناسازگار است (مقدادی، ۱۳۸۶). از آنجاکه قوامیت مرد به تردیدها و نیز سنت‌های ناروا و پیرایه‌های نادرستی آمیخته است (همان)، می توان آن را از جنبه‌های گوناگون بررسی کرد. یکی از این جنبه‌ها، مدیریتی است که مرد در هنگام تعارضات زناشویی اعمال می کند.

تعارضات زناشویی از عناصر مهم یک رابطه زناشویی است (پریسوز، نجرپوریان و محمدی، ۲۰۱۹). تعارضات زناشویی را پیوستاری از اختلاف در تعاملات بین فردی می دانند که به رفتارهای خصومت آمیز، مخالفت آمیز و تنش‌زا منجر می شود (فروساکیس، ۲۰۱۰، ۳ به نقل از فهلی، فرح بخش، معتمدی و کاظمیان، ۱۳۹۹). در واقع تعارض در رابطه زوجی یک عملکرد طبیعی ناشی از تفاوت‌هاست. بیان تفاوت‌ها می تواند در پیوستاری از واکنش‌ها از مخالفت کم تا تعارض شدید توصیف شود و ناتوانی در حل این تفاوت‌ها به طور مؤثری منجر به کاهش صمیمیت و ازهم پاشیدگی رابطه می شود (لانگ و یانگ، ۱۳۹۶). چگونگی مواجهه با تعارض، بیش از مفاهیم و عوامل ایجادکننده آن، می تواند تأثیر تعارض بر رابطه را تعیین کند. (قاسمی مقدم، شفیع آبادی و شریفی، ۱۳۹۹). در صورتی که تعارض به خوبی مدیریت شود، با رضایت زناشویی و اعتماد همراه است (گریف و برون ۲۰۱۱). مطالعه راهبردهایی که از طریق آن‌ها همسران اختلافات و متغیرهای مرتبط با استفاده از هر استراتژی را مدیریت می کنند، می تواند به تعیین حدود دقیق تر مداخلات با زوجین کمک کند (واگنر، گرزبوسکی، آرپینی و سونیکو، ۲۰۱۴).

سیر صعودی آمار طلاق و فروپاشی خانواده در سال‌های اخیر و عوارض منفی آن بر زنان و مردان مطلقه و فرزندان آن‌ها از انگیزه‌های پژوهش گران برای انجام پژوهش‌های بیشتر در این زمینه است (محمودزاده، یوسفی و گلپور، ۱۳۹۸). کمک به حل مشکلات ارتباطی زوج‌ها سابقه‌ای به درازای پدیده ازدواج در زندگی انسان‌ها دارد. متون اسلامی به ویژه قرآن کریم نیز به اختلافات زوج‌ها و راه‌های حل آن پرداخته است (سالاری فر، ۱۳۹۸). از این رو توجه به آموزه‌های اسلامی در مداخلات و آموزش‌های تخصصی مربوط به پربارسازی و بهبود روابط زناشویی لازم و ضروری است (محمودزاده، یوسفی و گل پرور، ۱۳۹۸).

مطالعات انجام‌شده در زمینه تعارضات زناشویی و چگونگی مدیریت آن، مبین راه‌کارهای متفاوتی است، که آموزش معنویت بر کاهش تعارضات زناشویی را مؤثر دانسته‌اند؛ مبارز (۱۳۹۷) اثر توکل به خدا را بر تعارضات زناشویی نتیجه‌بخش نشان داده است؛ دولخواه، جان‌بزرگی، سقای بی‌ریا و سول‌زاده طباطبایی (۱۳۹۶) راه‌کارهایی از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی برای کاهش تصورات منفی در روابط زوجین ارائه داده‌اند؛ جان‌بزرگی (۱۳۹۵) با ارائه الگوی مهر و قدرت، اثر آن را بر رضایت زناشویی و کنشوری خانواده تبیین کرده است؛ جمشیدی، نوری پورلیاوی، جان‌بزرگی و فردین (۱۳۹۴) توانمندسازی کارکردی زوجین مبتنی بر رویکرد اسلامی را بر رضایت مندی زناشویی زنان مؤثر دانسته‌اند؛ امیدیان‌فر، رفاهی، قادری و افشون (۱۳۹۴) غنی‌سازی روابط زوجین بر کاهش تعارضات زناشویی را مطالعه کرده‌اند؛ نعیمی و شریعتی (۱۳۹۳) الگوی مشاوره‌ای برای حل تعارضات زناشویی مبتنی بر دیدگاه‌های جنسیتی قرآن کریم تدوین کرده‌اند.

برخی از پژوهش‌های خارجی نیز مؤید تحقیقاتی در این زمینه است. پی‌گریف و تاینادی‌برون^۱ (۲۰۱۱) سبک مدیریت تعارض زناشویی با توجه به تفاوت‌های جنسیتی در رضایت زناشویی را بررسی کرده‌اند؛ چانگ^۲ (۲۰۱۰) تأثیر فرهنگ بر سبک‌های مدیریت تعارض و رضایت زناشویی در ازدواج را مهم دانسته است؛ لارسون و اولسون^۳ (۲۰۰۴) بر تأثیر معنویت بر سازگاری زناشویی تأکید کرده است، فینچام^۴ (۲۰۰۳) با توجه به ویژگی‌های شخصیتی، تعارضات زناشویی را در زمینه حمایت و ابراز محبت، بررسی کرده است.

در مورد قوامیت نیز پژوهش‌هایی مشاهده شد که منظور آن پژوهش‌ها بیشتر تبیین قوامیت و بررسی اهمیت آن بوده است؛ اخویان، مهدوی‌فرد و زارع (۱۴۰۰) به بررسی تفسیری قوامیت بر پایه تمایزهای تکوینی زن و مرد پرداخته‌اند. امام‌جمعه، عباسی و نکونام (۱۴۰۰) بررسی آموزشی تربیتی موضوع قوامیت مردان بر زنان در پرتو آموزه‌های قرآن کریم را در نظر گرفته‌اند و مقدادی (۱۳۸۶) مفهوم و مبانی سرپرستی و قوامیت را پژوهش کرده است؛ بنابراین پژوهشی در زمینه نقش قوامیت و تأثیری که این نقش می‌تواند بر کاهش تعارضات زناشویی داشته باشد، مشاهده نشد. پس با توجه به اهمیت این مسئله وجه تفاوت پژوهش حاضر، بررسی جایگاه قوامیت در خانواده و برخورد مناسب با نارضایتی زن و تعارض به‌وجودآمده است. با توجه به آیه ۳۴ سوره نساء که جایگاه قوامیت را برای مردان تعیین کرده است سؤال پژوهش حاضر این است که قوامیت چگونه می‌تواند تعارضات زناشویی را کاهش دهد؟

۲- روش‌شناسی

روش پژوهش حاضر روش تدبر در قرآن و به‌طور اختصاصی تدبر کلمه‌ای است. تدبر در قرآن به یک معنا، دقت به روابط میان اجزای کلام خدا و استفاده از ظرفیت هماهنگی آن‌ها در مقصد هدایت و از طرف دیگر دقت بر نحوه استفاده اهل‌بیت: از قرآن است (اخوت، ۱۳۹۲) با توجه به این‌که متن مرجع، آیات قرآن کریم است برای تحلیل آن نیز باید به ادبیات قرآنی و عناصر موجود در متن شامل واژه، آیه، سوره و ... توجه نمود. قواعد تدبر در این عناصر در سری ۱۵ جلدی روش‌های تدبر در قرآن کریم اخوت، (۱۳۹۲-۱۳۹۹) منقح شده است (فیاض، ۱۳۹۹). یکی از روش‌های تدبر مذکور، تدبر کلمه‌ای است؛ در تدبر کلمه‌ای با استفاده از کتاب لغت، فهم دقیق‌تری از کلمه در راستای غرض سوره به دست می‌آید از آنجاکه کلمات از یک‌سو با حقایق و از سوی دیگر با مصادیق مرتبط هستند؛ در این تدبر، چگونگی کشف ارتباط معانی کلمات با حقایق و نیز چگونگی کشف ارتباط مصادیق با معانی کلمات مدنظر است (اخوت، ۱۳۹۳، ص ۲۲)

1. P. Greeff & Tanya De Bruyne
2. Cheng
3. Larson & Olson
4. Fincham

۱-۲- مراحل پژوهش

- ۱- بررسی همه واژگان قرآنی و انتخاب واژگانی که مفهوم تعارضات زناشویی دارند؛
- ۲- بررسی واژگان محوری و آیات دربردارنده آن‌ها و هماهنگی سیاق آیات با مفهوم تعارضات زناشویی؛
- ۳- انتخاب آیه‌ای که واژه قوامیت و واژه معادل تعارضات زناشویی را دارد؛
- ۴- بررسی آیه موردنظر و گزاره‌های مربوط به آن؛
- ۵- تبیین و تعریف مفهوم قوامیت و تعارضات زناشویی در آیه؛
- ۶- استخراج ارتباط بین قوامیت با راه‌کارهای کاهش تعارضات زناشویی.

۳- یافته‌ها

در بررسی از کل واژه‌های قرآنی دو واژه «نشوز» و «شقاق» با توجه به نزدیکی معنایی به تعارضات زناشویی، معادل تعارض زناشویی انتخاب شدند ولی با بررسی‌های بیشتر مشخص شد که واژه «شقاق» وضعیت وخیم‌تری از «نشوز» است؛ بنابراین برای پژوهش حاضر که بررسی نقش قوامیت در کاهش تعارضات زناشویی است فهم واژه قوامیت و نشوز ضروری به نظر می‌رسد.

۱-۳- معناشناسی قوامیت و نشوز

۱-۱-۳- قوامیت

«قَوَامٌ» از ریشه «قوم»، صیغه مبالغه از «قیام»، به معنای ایستادن و انجام‌دادن عمل است و فرقی نمی‌کند آن عمل مادی و یا معنوی باشد (مصطفوی، ۱۳۶۰) و قَوَامٌ، بر زن در تدبیر امور و رفع احتیاجاتش، اشراف دارد (مصطفوی، ۱۳۶۰). به تعبیر مفسرین قَوَامٌ کسی است که مسئول قیام به امر شخصی دیگر است (طباطبایی، ۱۳۷۴) و تدبیر و اصلاح دیگری را بر عهده دارد (قرائتی، ۱۳۸۳).

۲-۱-۳- نشوز

کلمه «نشوز» از ریشه «نشر» است. «نشر» در لسان‌العرب و المفردات فی غریب القرآن، به معنی مکان مرتفع و در قاموس قرآن به معنی بلندشدن و امتناع آمده است. مصطفوی (۱۳۶۰) «نشر» را با دو قید تحرک و ارتفاع بیان می‌کند و مصادیق آن را نافرمانی به واسطه ترک خضوع، خودداری از توافق و ترک سازش و طلب برتری می‌داند.

مفسران «نشوز» را عصیان و استکبار از اطاعت (طباطبایی، ۱۳۷۴)، سرکشی و بلندپروازی (قرائتی، ۱۳۸۳) و سرپیچی از وظایف و ناسازگاری (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴) معنا کرده‌اند.

«نشوز» را می‌توان با توجه به معنی اصطلاحی آن در لغت‌نامه‌ها که ناسازگاری مختص روابط زناشویی است (مصطفوی، ۱۳۶۰؛ طریحی، ۱۳۷۵؛ قرشی، ۱۳۷۱) نوعی حرکت در امتناع از انجام وظایف زناشویی نسبت به هم دانست. به عبارت دیگر هرکدام نسبت به دیگری خود را در وضعیتی قرار دهد که امکان دسترسی به او در انجام وظایف زناشویی نباشد.

«نشوز» در قرآن کریم دو بار ذکر شده است، آیه ۳۴ سوره نساء به نشوز زن و آیه ۱۲۸ سوره نساء به نشوز مرد اشاره دارد. با توجه به اینکه آیه ۳۴ سوره نساء، صریحاً قوام‌بودن مرد بر زن را بیان کرده است، همچنین حاوی واژه «نشوز» است؛ این آیه برای پژوهش مناسب تشخیص داده شد.

۳-۲- بررسی آیه موردنظر و استخراج گزاره‌های مربوط به آن

«الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ وَاللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاضْرِبُوهُنَّ فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا كَبِيرًا» (سوره نساء)

۳-۲-۱- گزاره‌های به‌دست‌آمده از آیه:

- مردان قوام بر زنان هستند.
- قوامیت مردان به دلیل فضلی است که خدا به آن‌ها داده و توان مالی که اتفاق می‌کنند.
- قوامیت مردان حکمی عمومی است که مربوط به نوع مردان بر زنان است.
- قوامیت مرد بر زن در خانواده تفریعی از آن حکم کلی است.
- مرد ممکن است در خانواده با نشوز زن مواجه شود.
- در صورتی که نشوز از حد معمول بگذرد لازم است که مرد برای رفع نشوز اقدام کند.
- سه راهکار موعظه، هجر و ضرب راه‌کارهای مرد برای مواجهه با نشوز زن هستند.
- در صورت رفع نشوز، مرد نمی‌تواند به زن ظلم کند.
- مرد همواره باید علی‌کیب‌بودن خدا را مدنظر داشته باشد و از قدرتی که دارد مغرور نشود و ظلم نکند.

۳-۲-۲- تبیین قوامیت با استفاده از گزاره‌های آیه:

با توجه به آیه موردنظر، مردان قوام بر زنان هستند. قوامیت حکمی عمومی است که برای مردان آمده است. همچنان که علامه طباطبایی در تفسیر المیزان ذیل آیه می‌فرماید: حکم قوامیت در آیه عمومیت دارد و منحصر به شوهر نسبت به همسر نیست یعنی نوع مردان بر نوع زنان قیومیت دارند، البته از جهاتی که ارتباط با زندگی هر دو نوع در جامعه دارد، به‌عنوان مثال حکومت و قضا و دفاع از سرزمین با اسلحه (طباطبایی، ۱۳۷۴).

با توجه به معنای لغوی قوام، قوامیت مردان به تدبیر امور زنان و رفع احتیاجات آن‌ها مربوط می‌شود. قوامیت مرد نسبت به زن به دلیل فضلی است که خداوند به او داده و نیز توان مالی که اتفاق می‌کند و برای رفع معضلات و مشکلات اجتماع به کار می‌گیرد (مصطفوی، ۱۳۶۰)؛ فضل توانایی‌ای است که مسئولیت ایجاد می‌کند (مصطفوی ۱۳۶۰) و افراد به نسبت فضلی که دارند می‌توانند در جهت رفع نیازهای دیگران بکوشند و قوام دیگری باشند. از آنجاکه مرد قوام، به رفع احتیاجات زن می‌پردازد، این احتیاجات با قرینه «انفقوا» به تدبیر معیشت اشاره دارد. منظور از معیشت، زندگی کردن با سهولت و آرامش است که شامل مجموعه مسائل زندگی می‌شود.

۱. نفق: أَنْ الْأَصْلُ الْوَاحِدُ فِي الْمَادَّةِ: هُوَ نَفَادٌ فِي جَرِيَانٍ، فَلَا نِفَاقَ: إِجْرَاءُ شَيْءٍ وَ جَعْلُهُ فِي جَرِيَانٍ حَتَّى يَنْقُضِي وَ يَنْفَدُ.

برای تحلیل قوامیت با استفاده از روش تدبیر کلمه‌ای لازم است به لوازم تحقق معنای آن توجه کرد. منظور از لوازم معنایی، مواردی است که در صورتی که نباشد امکان تحقق آن معنا وجود ندارد. لوازم معنا را می‌شود از قید کلی با سه قید جزئی‌تر بیان کرد: مقدمات، لوازم و آثار؛ مقدمات به لوازمی گفته می‌شود که قبل از تثبیت کلمه و تحقق معنا باید وجود داشته باشد، منظور از لوازم مواردی هستند که توأم با تحقق مفهوم می‌بایست وجود داشته باشد و منظور از آثار هرگاه که معنایی در خارج تحقق یافت، موجب می‌شود تا در اثر تحقق آن، حتماً اتفاقات دیگری نیز رقم بخورد (اخوت، ۱۳۹۳).

با توجه به مطالبی که درباره قوامیت گفته شد، می‌توان گفت مقدمه قوام، فضل، توان انفاق مالی و توان تدبیر است و از لوازم آن رشد دهنده‌گی، تکیه‌گاه‌بودن، ایجاد استواری و تدبیر است و در نتیجه باعث تثبیت، شکل‌دهی، ارتقاء و آرامش می‌شود.

جدول ۱: لوازم معنایی واژه قوام

مقدمه	لازمه	آثار
فضل، توان انفاق مالی، توان تدبیر	رشد‌دهنده‌گی، تکیه‌گاه، ایجاد استواری، تدبیر	تثبیت، شکل‌دهی، ارتقاء، آرامش، پایداری

بنابراین قوامیت وظیفه‌ای است که به‌واسطه توانایی‌ای که در مردان وجود دارد، شرایط زندگی راحت و آرام را در کلیه امور برای زنان تدبیر می‌کند.

همان‌طور که بیان شد قوامیت مرد حکمی عمومی در جامعه برای مردان است و قوامیت مرد در خانواده به تبع آن صورت می‌گیرد که در این راستا ممکن است با نشوز زن مواجه شود؛ بنابراین نشوز از مسائل جزئی مربوط به خانواده است که زیرمجموعه آن حکم کلی است.

۳-۲-۳- تبیین نشوز با استفاده از گزاره‌های آیه

«نشوز» امری طبیعی است که در حالت عادی نگران‌کننده نیست ولی در صورتی که نشوز به حد نگران‌کننده رسید، لازم است که مرد تدابیری برای رفع آن داشته باشد که این تدابیر در راستای قوامیت او باشد و به این امر لطمه وارد نکند. آیه موردنظر در مورد نشوز هیچ قضاوتی ندارد؛ بنابراین نشوز می‌تواند باعث اختلال در روابط و یا اصلاح روابط شود؛ موعظه کردن، دوری در بستر و ضرب... راه کارهای مواجهه با نشوز زن است که به آن اشاره شده است.

با توجه به مطالبی که در مورد نشوز مطرح شد، می‌توان مقدمه آن را بی‌میلی، دلخوری و اختلاف در نظر گرفت که از لوازم آن کنارکشیدن، رفتارهای از روی بی‌میلی و عدم برقراری رابطه زناشویی است و در نتیجه باعث تشدید ناراحتی و اختلاف یا تعادل در رابطه و اصلاح می‌شود.

جدول ۲: لوازم معنایی واژه نشوز

مقدمه	لازمه	آثار
بی‌میلی، دلخوری، اختلاف، عامل محرک	کنارکشیدن، رفتارهای از روی بی‌میلی، عدم برقراری رابطه زناشویی	تشدید ناراحتی و اختلاف، تعادل در رابطه، اصلاح رابطه

در نظر گرفتن اینکه خداوند علی‌کبیر است منجر به مواجهه درست مرد در مقابله با نارضایتی زن می‌شود و باعث می‌شود که مرد از حد خود تجاوز نکند و به سمت رفتارهای پرخاش‌جویانه و محکوم‌کننده نرود، زیرا این خطر برای مرد وجود دارد که به دلیل برتری‌هایی که در جسم و دیگر توان‌های خود دارد، دچار سلطه‌جویی، غرور، تکبر و برتری‌طلبی شود که در این صورت امکان مواجهه درست با نشوز را نخواهد داشت.

علامه طباطبایی اشاره دارد که «نشوز» عصیان و استکبار از اطاعت است و منظور از «خوف نشوز» این است که علائم آن به تدریج پیدا شود و اینکه موعظه را نتیجه ترس از نشوز، نه از خود نشوز قرار داد، شاید به این دلیل باشد که موعظه، درمانی است که هم در حال نشوز و هم قبل از نشوز مفید است.

و منظور از «وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ» این است که بستر محفوظ باشد، ولی در بستر با او قهر کند، مثلاً در بستر به او پشت کند و یا ملاحظه نکند و یا طور دیگری بی‌میلی خود را به او بفهماند.

«فَإِنْ أَطَعْتُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا...» یعنی اگر در اثر اعمال آن سه راه علاج اطاعت کردند، علیه آنان بهانه‌جویی نکنید و برای اذیت و آزارشان دنبال بهانه نگردید و با «إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا كَبِيرًا» اعلام می‌دارد که مقام پروردگارشان علی و کبیر است، پس از قدرتی که بر زنان خود دارند مغرور نشوند و سوءاستفاده نکرده و در اثر غرور به آن‌ها ظلم و استعلا و استکبار نکنند و همواره به یاد علو مقام پروردگارشان باشند (طباطبایی، ۱۳۷۴).

از آنچه گفته شد می‌توان نتیجه گرفت

- مردان در جامعه وظیفه دارند شرایط زندگی آرام و راحتی را برای زنان فراهم آورند.
- مرد به نسبت توانایی‌ای که دارد می‌تواند مسئولیت خود را انجام دهد؛ بنابراین هر چه توانایی بیشتر، مسئولیت‌پذیری بهتر.
- به تبع قوامیت نوع مردان، مرد در خانواده نیز قوامیت دارد.
- مرد ممکن است در شرایط مختلفی از سازگاری و یا ناسازگاری زن قرار بگیرد.
- در هر شرایطی عملکرد مرد باید متناسب با قوامیت باشد.
- قوامیت با تعدی و ظلم منافات دارد.

۳-۲-۴- تبیین راه‌کارهای مقابله با نشوز:

همان‌طور که بیان شد مرد در مواجهه با نشوز زن سه راه‌کار دارد؛ برای فهم این راه‌کارها لازم است که واژه‌های؛ «وعظ»، «هجر» و «ضرب» مطالعه شوند و به لوازم معنایی آن‌ها توجه شود.

۳-۲-۵- وعظ

وعظ، تذکر مفید و هشدار آگاهی‌دهنده‌ای است که سبب رشد می‌شود (مصطفوی، ۱۳۶۰). درواقع ایجاد تنبه درونی درباره امری که ممکن است مربوط به خود فرد یا مربوط به دیگری باشد؛ بنابراین می‌تواند ناظر به مرد و یا زن باشد و با توجه به دلیل نارضایتی زن، محتوای موعظه می‌تواند متفاوت باشد.

جدول ۳: لوازم معنایی واژه وعظ

مقدمه	لازمه	آثار
اختلاف نظر، شناخت همسر	مفید، هشداردهنده	تنبه درونی، آگاهی، ارتقاء، مفاهیم

۳-۲-۶- هجر

منظور از «هجر» ترک همراه با وجود رابطه است (مصطفوی، ۱۳۶۰) و در این آیه با توجه به «فِي الْمَضَاجِعِ» منظور دوری در بستر است و جداکردن بسترها مدنظر نیست.

جدول ۴: لوازم معنایی واژه هجر

مقدمه	لازمه	آثار
دلخوری، شناخت عواطف همسر	دوری کردن، بی توجهی	ایجاد جلب توجه، تحریک عواطف، آگاهی، برگشت به تعادل، نزدیکی

۳-۲-۷- ضرب

ضرب، کوبیدن چیزی بر چیزی بر اساس برنامه ای مشخص است (مصطفوی، ۱۳۶۰) بنابراین منظور از ضرب می تواند حرکتی از جانب مرد به واسطه برخورد چیزی بر چیزی، برای تنبه و هوشیارشدن زن باشد، در ضرب انتقال توجه مهم است، یک حرکت فیزیکی که تحریک کننده ضربتی باشد و نباید به سمت ظلم، تکبر یا برتری طلبی کشیده شود.

جدول ۵: لوازم معنایی واژه ضرب

مقدمه	لازمه	آثار
برنامه، وجود محرک، شناخت همسر	حرکت فیزیکی	انتقال توجه، آگاهی، برگشت به تعادل

هر کدام از این واژه ها در زندگی می تواند مصداق های متعددی داشته باشند که در زیر به بعضی از آنها اشاره شده است:

الف. وعظ

با توجه به اینکه بار موعظه می تواند ناظر به خود شخص باشد، تنبیهی در فرد ایجاد می کند که عیوب و اشکالات خود را ببیند، هشدار می دهد که سبب آگاهی فرد از درون خود می شود. به عبارتی یک وجه از موعظه که ناظر به مرد است سبب دیدن عیوب و رفع عیوب خود برای داشتن بروزاتی مناسب است، بروزاتی که به سبب آن ها خودش را دل پذیرتر می کند، این بروزات می تواند:

- رسیدگی به ظاهر خود؛
- استفاده از کلام خوش؛
- و یا حتی عذرخواهی کردن از کارهایی که فراموش کرده است، باشد.

وجه دیگر موعظه که ناظر به زن است و مرد به واسطه آن می‌تواند رغبت زن را به سمت خود جلب کند در این صورت شناخت خلیقات زن می‌تواند کمک‌کننده باشد:

- بیان خاطرات خوش گذشته؛
- دیدن عکس‌ها و فیلم‌های یادگاری؛
- یادآوری اهدافی که برای زندگی تعریف کرده‌اند.

بنابراین با توجه به اینکه موعظه آگاهی‌دهنده است می‌تواند روی شناخت فرد تأثیر داشته باشد و با توجه به اینکه ناظر به رفتارهای خوشایند است می‌تواند روی احساسات فرد تأثیر داشته باشد و در نتیجه عمل فرد را تحت تأثیر قرار دهد.

ب. هجر

با توجه به اینکه در هجر دوری در بستر مدنظر است و جداکردن بستر منظور نیست، می‌تواند:

- پشت کردن به زن در بستر باشد.
- بی‌توجهی به زن در رفتار باشد.

دوری‌گزینی مرد در هجر و دوری‌گزینی محدود در بستر از همسر خود، می‌تواند عاملی برای تغییر در زن باشد و توجه او را به مرد جلب کند و زمینه‌ای برای بهبود و رفع نشوز باشد.

ج. ضرب

ضرب می‌تواند مصداق‌های متفاوتی داشته باشد و این بستگی به خلاقیت مرد دارد که در آن لحظه چه کاری انجام دهد طوری که توجه همسرش را جلب کند و از حالت قبلی خارج شود. از مصداق‌های ضرب می‌تواند:

- پرتاب کردن یک متکا به سمت زن باشد؛
- پاشیدن کمی آب روی صورت زن باشد.

در «ضرب» انتقال توجه اهمیت دارد که ممکن است با احساس خوشایندی همراه شود و در نتیجه بر رفتار زن نیز مؤثر شود.

آنچه در مورد نشوز زن اهمیت دارد:

- مواجهه صحیح و رفع آن با فعال بودن مرد است.
- این مواجهه باید به نحوی باشد که نشوز او را برطرف کند و خود عاملی برای تقویت نشوز نشود.

۴- بحث و نتیجه گیری

نقش قوامیت در کاهش نشوز بر اساس آیه ۳۴ سوره نساء:

بر اساس معناشناسی آیه، قوامیت یک ویژگی عام برای مردان است که در جامعه و به تبع آن در خانواده معنا پیدا می‌کند، نقشی است که مرد بر دوش می‌کشد تا استحکام جامعه و خانواده را تضمین کند، لاجرم بروز ویژگی‌های خاصی، قوامیت فرد را در جامعه و خانواده تثبیت می‌کند. با توجه به لوازم معنایی قوامیت، ویژگی‌های زیر برای قوام انتظار می‌رود:

- کسی که قوام است در امورات خود تدبیر دارد؛
- برای رشد خود برنامه دارد؛
- در جهت رشد دیگران تلاش می‌کند؛
- سعی می‌کند تکیه‌گاه دیگران باشد؛
- مرد قوام نسبت به همسرش شناخت کافی دارد؛
- استعدادها و نیازهای او را می‌شناسد؛
- در جهت رفع نیازهای همسرش تلاش می‌کند.

بنابراین نتیجه قوامیت، ایجاد زمینه ارتقاء و آرامش است. با توجه به آثار قوامیت یکی از اهداف آیه موردنظر سوق دادن جامعه و خانواده به سمت بالندگی و آرامش و کاهش تعارضات در خانواده است، سه راه‌کاری که در آیه به آن اشاره شده است به مرد در برطرف کردن نشوز همسرش کمک می‌کند؛ استفاده از این سه راه‌کار، به فهم درست راه‌کارها و مهارت تلفیق آن‌ها نیاز دارد، با توجه به ویژگی‌هایی که مرد قوام دارد از این سه راه‌کار به‌طور مؤثری می‌تواند در جهت رفع نشوز زن استفاده کند.

با در نظر گرفتن معناشناسی هر کدام از واژه‌های «وعظ»، «هجر» و «ضرب»، مقدمه و لوازم هر راه‌کاری مخصوص همان راه‌کار است که از طریق نتایج معنایی واژه‌ها به هم نزدیک می‌شوند و نتیجه هر سه راه‌کار به‌نوعی برگشت به تعادل و اصلاح است. در استفاده از «وعظ»، «هجر» و «ضرب»، لازم است مرد همسرش را بشناسد، نیازهایش را بداند، غایت رابطه زناشویی را بداند و بتواند رابطه را به سمت صلاح هدایت کند، در این صورت می‌تواند در رفع نشوز اقدام کند؛ بنابراین می‌توان گفت که این راه‌کارها برای این است که زن به زندگی برگردد، تعادل ایجاد شود، رابطه اصلاح شده و تعارض برطرف شود؛ پس در اینجا رسیدن به تعادل و رفع تعارض نشان‌دهنده این است که یک رابطه قوام پیدا می‌کند، تثبیت می‌شود و از عدم تعادل به تعادل می‌رسد.

بنابر مطالب فوق و با توجه به هدف تحقیق که قوامیت چگونه می‌تواند تعارضات زناشویی را کاهش دهد؛ یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که یکی از نمودهای قوامیت مرد این است که در مقابله با تعارضات زناشویی مواجهه درستی داشته باشد. مواجهه درست این نیست که تعارضات به نفع مرد یا زن حل شود، بلکه درواقع باید چیزی که باعث صلاح زن و مرد است اتفاق بیفتد. اگر مرد هنر تلفیق سه راه‌کار «وعظ»، «هجر» و «ضرب» را داشته باشد می‌تواند در کاهش تعارضات بهتر عمل کند.

با توجه به «وعظ» که یک وجه آن ناظر به خود مرد است، وی می‌تواند نسبت به خود و وظایفی که نسبت به همسر دارد، بازبینی لازم را داشته باشد و در صورت لزوم در جهت اصلاح آن تلاش کند و از آن‌جهت که وجه دیگر آن ناظر به زن است شناخت خلیقات زن می‌تواند کمک‌کننده باشد؛ بنابراین شناخت خود و شناخت همسر می‌تواند یکی از گام‌های موعظه تأثیرگذار در کاهش تعارضات باشد.

این پژوهش، پژوهش دانش (۱۳۸۳) و صادقی، صلاحیان و صالحی (۱۴۰۱) را که خودشناسی را عاملی برای سازگاری می‌داند تأیید می‌کند.

این پژوهش، همچنین با پژوهش جان‌بزرگی (۱۳۹۵) در تعیین نقش زن و مرد بر اساس چارچوب‌های معنوی و مذهبی هم‌گرایی دارد؛ از آن جهت که مرد قوام با مهارت به‌کارگیری سه راه‌کار «وعظ»، «هجر» و «ضرب»، تعارضات را به‌نوعی مدیریت می‌کند، تأییدی بر پژوهش پی‌گریف و تانیادی برون (۲۰۱۱) است که تأثیر سبک مدیریت تعارض زناشویی را با توجه به تفاوت‌های جنسیتی در رضایت زناشویی مؤثر می‌داند و از آنجا که مفهوم قوامیت با اصلاح، حمایت و مسئولیت و رشددهندگی همراه است، پژوهش مقدادی (۱۳۸۶) را از آن جهت که منظور از قوامیت را مسئولیت، حمایت، مراقبت، محافظت و رعایت مصالح زن می‌داند و برتری طلبی، سلطه‌جویی و مردسالاری را با قوامیت ناسازگار می‌داند تأیید می‌کند.

در مقایسه با دیگر پژوهش‌ها، این پژوهش در ابعاد وسیع‌تری اصلاح روابط و کاهش تعارضات را در برمی‌گیرد؛ درواقع خودشناسی، شناخت زوج و نیازهای او، شناخت نقش‌ها و وظایف زن و مرد، توجه به تفاوت‌های جنسیتی، صمیمیت در روابط، در نظر گرفتن احساسات و عواطف و ... می‌توانند در محدوده قوامیت قرار گیرند. از سوی دیگر چون پژوهش حاضر برگرفته از کلام وحی است و هیچ‌چیز به‌اندازه قرآن نمی‌تواند نیازی را از انسان برطرف کند (اخوت، ۱۳۹۲)، با نیازهای زوجین در روابط همسو است ولی با توجه به این‌که اگر انسان تمام عمر خود را برای فهم مضامین قرآن صرف کند باز به عمق فهم آن نمی‌رسد (اخوت ۱۳۹۲) فهم قوامیت و ارتباط آن با «وعظ»، «هجر» و «ضرب»، در چندین سطر مختصر نمی‌گنجد و نیاز به تفکر و تدبر عمیق در واژه‌ها و آیات دیگر سوره دارد که با توجه به محدودیت پژوهش، این تدبر فقط در یک آیه انجام شد. برای این منظور جا دارد پژوهش‌های زیادی صورت گیرد و به ویژگی‌های «قوامیت»، «وعظ»، «هجر» و «ضرب»، به تفصیل و وضوح بیشتری پرداخته شود.

۵- تقدیر و تشکر

از تمام کسانی که در انجام این پژوهش ما را یاری رساندند تشکر می‌شود.

۶- منابع

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- آذربایجانی، مسعود، پسندیده، عباس، و جان‌بزرگی، مسعود. (۱۳۹۶). مدیریت داخلی سیستمی خانواده بر اساس گذشت در آیات و روایات و مداخله کوتاه‌مدت رها- آشکارسازی. / *اخلاق و حیانی*، ۶(۱)، ۳۳-۴۲.
- ۳- اخویان، محمدعلی، مهدوی‌فرد، امیر عباس، و زارع، رحمان. (۱۴۰۰). بررسی تفسیری آیه قوامیت بر پایه تمایزهای تکوینی زن و مرد. *مطالعات تفسیری*، ۴۶، ۱۶۷-۱۸۶.
- ۴- اخوت، احمدرضا. (۱۳۹۳)، روش‌های تدبر کلمه‌ای. تهران: انتشارات قرآن و اهل بیت نبوت ﷺ.
- ۵- اخوت، احمدرضا. (۱۳۹۲). مقدمات تدبر در قرآن. تهران: انتشارات قرآن و اهل بیت نبوت ﷺ.
- ۶- امام‌جمعه، ریحانه، عباسی، مهرداد، و نکونام، جعفر. (۱۴۰۰). بررسی آموزشی تربیتی موضوع قوامیت مردان بر زنان در پرتو آموزه های قرآن کریم. *پژوهش‌های اخلاقی*، ۴۴، ۵-۲۰.

- ۷- امیدیان‌فر، مریم، رفاهی، ژاله، قادری، زهرا، و افشون، اسفندیار. (۱۳۹۴)، اثربخشی غنی‌سازی روابط زوجین بر کاهش تعارضات زناشویی در کارمندان ادارات مختلف شهر یاسوج. ارمغان دانش، ۲(۶)، ۵۳۸-۵۴۸.
- ۸- ترکاشوند، جواد، جعفرزاده، فرزانه. (۱۳۹۲). تعامل رفتاری همسران از نگاه اسلام و روان‌شناسی. معرفت، ۱۹۲، ۱۱۵-۱۲۸.
- ۹- جان بزرگی، مسعود. (۱۳۹۵). اثر خانواده درمانگری سیستمی معنوی بر رضایت زناشویی و کنشوری خانواده (الگوی مهر و قدرت). پژوهش‌نامه اسلامی زنان و خانواده، ۴(۶)، ۹-۳۸.
- ۱۰- جمشیدی، محمدعلی، نوری پورلیاوی، رقیه، جان‌بزرگی، مسعود، و فردین، محمدعلی. (۱۳۹۴). اثربخشی توانمندسازی کارکردی زوجین مبتنی بر رویکرد اسلامی بر رضایت‌مندی زناشویی زنان. فصلنامه فرهنگی تربیتی زنان و خانواده، ۱۰(۳۱)، ۷-۳۵.
- ۱۱- جهانیان، مجید. (۱۳۹۲) تأثیر غنی‌سازی روابط زوجین مبتنی بر آموزش ذهن آگاهی بر رضایت زناشویی زوجین شهر اصفهان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه اصفهان.
- ۱۲- دانش، عصمت. (۱۳۸۳). تأثیر خودشناسی اسلامی در افزایش میزان سازگاری زناشویی. پژوهش‌های مشاوره، ۳(۱)، ۸-۳۰.
- ۱۳- دولتخواه، محمد، جان‌بزرگی، مسعود، سقای‌بی‌ریا، ناصر، رسول‌زاده طباطبایی، کاظم. (۱۳۹۶). نقش تصورات منفی در روابط زوجین و راه‌کارهای درمان آن از دیدگاه اسلام و روانشناسی. پژوهش‌نامه اسلامی زنان و خانواده، ۶(۱۰)، ۹-۲.
- ۱۴- سالاری‌فر، محمدرضا. (۱۳۹۸). زوج‌درمانی با روی‌آورد اسلامی. قم: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ۱۵- صادقی، ایران. صلاحیان، افشین، و صالحی، مهدیه. (۱۴۰۱). نقش خودشناسی، عشق و هوش هیجانی در پیش‌بینی تعارضات زناشویی. فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، ۱۳(۵۰)، ۶۹-۹۷.
- ۱۶- طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۷۴). ترجمه تفسیر المیزان. ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ۱۷- طریحی، فخرالدین. (۱۳۷۵). مجمع‌البحرین. تهران: مرتضوی.
- ۱۸- فهلی، ابراهیم، فرح‌بخش، کیومرث، معتمدی، عبدالله، کاظمیان، سمیه. (۱۳۹۹). ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس انگیزه مشاوره تعارضات زناشویی زنان در آستانه طلاق. فصلنامه اندیشه‌گیری تربیتی، ۱۰(۳۹)، ۱۷۳-۱۹۴.
- ۱۹- فیاض، فاطمه. (۱۳۹۹). نظام موضوعات و مسائل روانشناسی با اتکا بر نظام موضوعات انسان در قرآن کریم، گزارش دوره پس‌ادکتری، دانشگاه تهران.
- ۲۰- قاسمی مقدم، کبری، شفیع‌آبادی، عبدالله، و شریفی، اصغر. (۱۳۹۹). تعارضات زناشویی و نیازهای اساسی: نقش میانجی معنویت. دوفصلنامه علمی روان‌شناسی بالینی و شخصیت، ۱۸(۲)، ۶۵-۵۵.
- ۲۱- قرائتی، محسن. (۱۳۸۳). تفسیر نور. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- ۲۲- قرشی، سیدعلی اکبر. (۱۳۷۱). قاموس قرآن. قم: دارالکتب الاسلامیه.
- ۲۳- لانگ، لین، و یانگ، مارک. (۱۳۹۶). مشاوره و درمان مسائل زن و شوهری. ترجمه علی محمد نظری، جواد خدادادی، کبری ناموران، حسین صاحب‌دل و مسعود اسدی. تهران: انتشارات آوای نور.
- ۲۴- مبارز، حسین. (۱۳۹۷). تدوین بسته آموزش توکل به خدا و بررسی اثربخشی آن بر میزان تعارضات زناشویی، کیفیت زندگی، معنای زندگی و رضایت از زندگی مهاجران افغانستانی ساکن مشهد. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، جامعه‌المصطفی، مجتمع آموزش عالی علوم انسانی.
- ۲۵- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. قم: دارالکتب الاسلامیه.
- ۲۶- محمودزاده، اعظم، یوسفی، زهرا، و گل‌پرور. محسن. (۱۳۹۸). طراحی الگوی پایداری خانواده مبتنی بر آموزه‌های اسلامی. پژوهش‌نامه اسلامی زنان و خانواده، ۷(۱۷)، ۷-۳۵.

- ۲۷- مصطفوی، حسن. (۱۳۶۰). التحقيق في كتاب القرآن الكريم. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ۲۸- مقدادی، محمدمهدی. (۱۳۸۶). بررسی مفهوم و مبانی سرپرستی و قوامیت مرد، مجموعه مقالات همایش منطقه‌ای زن در نظام حقوقی اسلام دانشگاه آزاد اسلامی واحد آستارا.
- ۲۹- نژادموسوی، معصومه سادات. (۱۳۹۵). نشوز و اسباب آن. فصلنامه علمی تخصصی معارف اسلامی، ۱۳(۱۱۷)، ۳۱-۳۸.
- ۳۰- نعیمی، ابراهیم، و شریعتی، سیدصدرالدین. (۱۳۹۳). الگوی مشاوره‌ای حل تعارضات زناشویی مبتنی بر دیدگاه‌های جنسیتی قرآن کریم. فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان، ۵(۱۸)، ۱-۳۸.
- ۳۱- Cheng, Chuan. Chuan. (2010). A study of inter-cultural marital conflict and satisfaction in Taiwan. *International Journal of Intercultural Relations*, 34(4), 354-362.
- 32- P. Greeff, Abraham., & Tanya De Bruyne,. (2000). Conflict management style and marital satisfaction. *Journal of sex & marital therapy*, 26(4), 321-334.
- ۳۳- Fincham, Frank. D. (2003). Marital conflict: Correlates, structure, and context. *Current directions in psychological science*, 12(1), 23-27.
- 34- Larson, Peter. J., & Olson, David. H. (2004). Spiritual beliefs and marriage: A national survey based on ENRICH. *The Family Psychologist*, 20(2), 4-8.
- 35- Parisuz, Azam., Najarpourian, Samaneh., & Mohammadi, Kourosh. (2019). The Effect of Intensive Short-Term Dynamic Psychotherapy on Marital Conflicts and Interpersonal Processing of Married Women with Emotional Divorce. *Iranian Evolutionary and Educational Psychology Journal*, 1(2), 112-122.
- 36- Wagner, A., Grzybowski, L. S., Arpini, D. M., & Cúnico, S. D. (2014). Como os filhos percebem o relacionamento conjugal de seus pais. *Novos olhares sobre a família: Aspectos psicológicos, sociais e jurídicos*, 39-53.

The Role of Consistency in Reducing Marital Conflicts According to Verse 34 of Surah An-Nisa

Marzia Zargari^۱

Hadi Bahrami Ehsan^{*۲}

Abstract

The family is one of the main pillars of society with a specific structure in defining individual and social roles and responsibilities. Explaining the roles of men and women in this structure is very important to prevent family injuries. Considering that consistency is a characteristic Allah has set for men in verse 34 of Surah An-Nisa', this characteristic can be studied from different aspects. The present study aimed to investigate the Qur'an's view on consistency and how it deals with marital conflicts. The research method is contemplation in the Qur'an, specifically the word contemplation, which has been done by asking a question from verse 34 of Surah An-Nisa' and examining the propositions and contemplating its words. Findings showed that consistency is a responsibility that obliges men to perform tasks in society and the family. One of these tasks is to manage conflicts in the family. A variety of conflict management strategies such as advising, temporarily leaving alone, and Punishment and combining these strategies can effectively explain the roles of men and women to manage conflict and ultimately reduce marital conflicts. As a result, consistency reduces marital conflicts and leads to improved relationships by applying appropriate strategies.

Keywords: Consistency, Marital Conflict



This Journal is an open access Journal Licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License

(CC BY 4.0)

1. PhD Student in Counseling, Islamic Azad University, Tehran Branch, Tehran, Iran. marziezargari@yahoo.com

2. Associate Professor, Department of Psychology, University of Tehran, Tehran, Iran. (Corresponding Author) hbahrami@ut.ac.ir